

## علیه نمایش سالانه دستمزدها!

## برای اتحاد و مبارزه سراسری طبقه کارگر بر سر دستمزد

مصطفی اسدپور

دستمزد کارگران چقدر باید باشد و کدام مرجع از صلاحیت تعیین آن برخوردار است؟ بدون تردید این سوال داغترین خبر دنیای اقتصاد و سیاست در جوامعی است که درب تولید و سازندگی بر گرده طبقه کارگر و بر پاشنه کار مزدی میچرخد. آنجا که زور کارگر بیشتر میرسد، آنجا که آزادی تشکل، آزادی اعتصاب، نمایندگی، مذاکرات و اعمال اراده کوچکترین نشانی از حقیقت برخورد دارد؛ موضوعیت این سوالات نیازی به استدلال ندارد. کارگران چه فردی، چه خانوادگی، چه در اتحادیه و چه در انواع تشکل، و به اشکال مختلف در تلاش برای دستیابی به حقوق بیشتر شریک میشوند.



در ایران خبری از تشکل و حق و حقوق و اراده کارگری نیست. فصل دستمزدها مجرای بزرگترین بسیج طبقه حاکم، مجرای هجوم حشرات خانه کارگر علیه توقعات، افق و اعتراض صف کارگری جامعه است. جفنگ و شانناژ از سر تا پای این نمایش مسخره میبارد. شکل گیری یک جنبش قدرتمند و سراسری بر سر دستمزدها یک امر فوری در زندگی طبقه کارگر در ایران است، و خواه ناخواه با تعیین تکلیف با نمایش سالانه دولتی گره خورده است. هر جا، همه جا و هر فرصت را در دفاع و در خدمت اتحاد و انسجام طبقاتی کارگران نباید از دست داد.

اول: تشریفات خانه کارگر جمهوری اسلامی و خیمه شب بازی نمایندگی کارگری در شورای عالی دستمزد بغایت دست ساز، مسخره و توهین مستقیم به شعور کارگران جامعه است. مصوبات و توافقات این «نمایندگان» از هیچ گونه اعتباری برخوردار نیست. زد و بندهای دستمزدی حضرات هرگز نقطه پایان مبارزات سالانه بر سر دستمزدها نبوده است. ... صفحه ۲

شماره ویژه

فصل تعیین حداقل دستمزدها!

## طبقه کارگر می تواند!

بساط شرم آور حکومتی حداقل دستمزد را برچینیم!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

کارنوال شرم آور هر ساله دستگاه حکومتی برای تعیین حداقل دستمزد کارگران، تبلیغات بر سر «تحقیق» و «تفحص» «متخصصین» شان، اعلام آمار، ارقام و سنجش میزان «نیاز» و «سبب کارگری» برای زنده ماندن، به روال هر ساله به راه افتاده است. عوامل ضد کارگر خانه کارگر و شوراهای اسلامی با حقه بازی و اشک تمساح ریختن یک بار دیگر پا به میدان گذاشته اند تا به نام «کارگران» در شورای عالی کار وظیفه به اصلاح چانه زنی و غرولندهای تهوع آور و دلسوزی دروغین برای کارگران را راه بیندازند و نهایتاً مشتریکا «مرحمت» کرده و چندر غازی را به سفره «قشرمستضعف» به عنوان افزایش دستمزد تحویل جامعه بدهند. ... صفحه ۲

## دستمزدها فقط یک «رقم» نیست

خانه کارگر و لولو خورخوره «دستمزد منطقه ای»

دستمزدها و چهره پنهان زنانه آن

از اعتراضات معلمان تا مبارزات

قدرتمند سراسری بر سر دستمزدها

آزادی برابری حکومت کارگری

چند ده میلیون کارگر و مردم کارکن جامعه با خواست پایان حاکمیت بورژواها و عدالت کارگری زمین سیاست در ایران را شخم زده است و رنگ خود را به همه چیز زده است. تکان خوردن این صف در اعتراضات این دوره، در مراکز صنعتی، در محلات کارگری، در میادین شهرها و در صف معلم و بازنشسته و در صف محرومین جامعه، قدرقدرتی بالا را شکسته است و امید و نوید تحولی برابری طلبانه بر دوش طبقه ما را در قلب دهها میلیون انسان کاشته و عمارت بلایی ها را به لرزه درآورده است.

جدال ما برای رفاه نباید منتظر تشریفات و «فرمایشات» بیشرمانه حکومت بشود. این بازی هر نتیجه ای داشته باشد، از نظر لشکر میلیونی طبقه ما از قبل مردود است. میزان دستمزد هر کارگری به قدرت متحد ما بستگی دارد. برای بهبود و رفاه و آزادی، برای بالا بردن دستمزدها و برای بیرون کشیدن سهم خود از حلقوم طبقه سرمایه دار همه جا در نهاد و تشکلهای خود در مجامع عمومی خود متشکل شویم، خط رفاه خود و جامعه را تعیین کنیم و کیفرخواست یک طبقه علیه بورژواها و سیستم و حکومتشان به وسعت جامعه را بانگ بزنیم. هر روز و هر لحظه از زندگی طبقه کارگر در ایران «فصل تعیین دستمزد» است. مبارزه برای بهبود معیشت، برای رفاه و نه تنها حداقل دستمزد، میدان جدی جدال دو طبقه به وسعت ایران است و در این جدال طبقه کارگر راهی جز پیروزی با اتکا به سازمان دادن به صف طبقاتی و متحد خود ندارد. ما توان و قدرت این را داریم! ما میتوانیم حاکمین را به زانو در آوریم!

زنده با اتحاد کارگری

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۵ ژانویه ۲۰۲۲

**امروز روزیست که هر کارگر و انسان آزاده  
و معترضی در جامعه ایران برای هر قدم  
پیشروی خود و خنثی کردن نقشه‌های شوم  
حاکمیت دست به ایجاد مجامع عمومی،  
به شوراهای کارگری و مردمی در محل  
کار و زیست می‌زند و به این مکانیسم‌های  
اجتماعی قدرت متکی می‌شود. آزادی،  
برابری، رفاه، برخورداری از بهترین و  
پیشرفته‌ترین نعمات مادی و در یک کلام  
تقسیم ثروت تنها با رفتن این نظام و تنها  
با برقراری حاکمیت شورایی میسر است.**

**«دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم،**

**بدون امید سوسیالیسم و**

**بدون خطر**

**سوسیالیسم به**

**چه منجلائی بدل میشود..»**

این بساط ضد کارگری بورژوازی ایران و حکومتش را باید برچید. این بی حرمتی و عریان و تعرض به زندگی، حرمت و کرامت طبقه کارگر از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب با شاغل و بیکار با زن و مرد و کودک و خانواده کارگری را نباید قبول کرد. این تعرض را باید شکست داد. افزایش دستمزد ها متناسب با «خط رفاه» در همه سطوح را میتوان و باید به اتکا به صف متحد خود به حاکمیت تحمیل کرد.

برای طبقه کارگر، با تجاری که در جدال چند سال گذشته کسب کرده است، فصل تعیین دستمزد مناسبی است که با پرچم افزایش دستمزدها در همه سطوح و برای کل این صف، از مراکز کار تا صف بیکاران و تامین زندگی آنها تا صف معلم و بازنشسته، از میادین شهرها تا محلات کارگرنشین، نیروی یک طبقه را در اشکال مختلف متحد کرد و سازمان دهد. اگر وزرا و وکلای طبقه حاکم تلاش میکنند با تبلیغات همیشگی و کسل کننده، به فقر، خط فقر و خط مرگ اشاره کنند، اگر تلاش میکنند خط مرگ را به نام دلسوزی ریکارانه به ما تحمیل کنند، اگر تلاش میکنند با طرح هایی چون «مزد توافقی»، «مزد منطقه ای» و... تفرقه، توحش، بربریت و گرسنگی بیشتر را به ما تحمیل کنند، صف ما میتواند با سازمان دادن نیروی خود قدمی دیگر این دستگاه توحش و بربریت بورژوا اسلامی را به مرگ نزدیک کند.

مزد کارگر و نیروی کارکن جامعه حتی در تاریکخانه های ضد کارگری حکومت و در شورای عالی کار بر اساس توازن قوای طبقه ما با بورژوازی و میزان اتحاد و آگاهی صفوف ما تعیین میشود. این جدال همیشگی دو طبقه یکی برای رفاه، عدالت، آزادی و دیگری برای تحمیل بردگی کامل، فقر، محرومیت و محکوم ماندن صف ما. این دایره توحش و بربریت ضد کارگری و ضد انسانی را باید برچید. این کار جنبش کارگری و کار جنبش سوسیالیستی این طبقه است و ابزار آن اتحاد و سازمان ما کارگران در این جامعه است.

امروز باید علیه توحش و بربریت، علیه تلاش بورژوازی برای تحمیل خط مرگ به نام «دستمزد» و «زندگی» شورید و این بساط را بر سرشان خراب کرد. ما میتوانیم و امروز بیش از هر زمانی نیروی ما این آمادگی را پیدا کرده است.

زنان و مردان کارگر!

بر شما پوشیده نیست که جمهوری اسلامی میکوشد با تحمیل فقر و محرومیت، در کنار تبلیغات وسیع و توجهات همیشگی، طبقه ما را به زانو در آورد و تسلیم کند. فصل تعیین دستمزدها مستقل از هیاهوی بیشرمانه آنها و عوامل شان، فصل رسمیت دادن به زندگی زیر خط مرگ ما است. طبقه کارگر در این جامعه نه حق تشکل، نه اعتصاب و نه ارسال نماینده خود برای چانه زنی را با سرمایه داران و دولتشان دارد. تعیین میزان دستمزد مستقیما به موقعیت ما با حاکمین و دشمنان طبقاتی ما گره خورده است. باید به این بساط تحقیر آمیز خامه داد. باید تلاش کرد جنبشی سراسری به وسعت ایران از مراکز صنعتی تا کارگران بیکار، از صف معلم تا بازنشسته و... را سازمان داد و به میدان آورد. تجارب تا کنونی از هفت تپه و فولاد تا نفت، گاز، پتروشیمی ها و تا معادن، خودروسازی ها، ترانسپورت، صف معلمین و بازنشستگان و... بیان یک موج اعتراضی بزرگ و رادیکال علیه این فقر و فلاکت و برای بهبود و رفاه است. این صف را باید متحد کرد و متحد به میدان آورد. همه مراکز کارگری، همه محلات کارگر نشین میتواند و باید به میدان تجمع و برگزاری مجامع کارگری و خانواده های ما، به میدان اتحاد و درهم تنیدن صف ما در مقابل حاکمین تبدیل شود.

اگر هم صدا شویم و نیروی خود را متحد وارد این جدال کنیم، هیچ نیرویی توان مقابله با ما را ندارد و میتوانیم رفاه عمومی خود و جامعه را به حاکمین تحمیل کنیم. ما این قدرت را داریم و میتوانیم.

رفقای کارگر!

جامعه ایران وارد دوره جدیدی شده است! شما کارگران در کنار معلم و پرستار، از بازنشسته تا نسل جوان این طبقه به وسعت ایران، در هر مناسبی علیه بردگی خود، علیه وضع موجود و افسارگسیختگی بورژوازی با پرچم مشترک و خواست رفاه و برابری شوریده اید و نوید حاکمیت از پایین را در قامت شورایی جار زده اید. این نسیم در همه جا وزیده است و زنگ کنار گذاشتن سیستم و حاکمیت مشتی میلیاردر انگل و فاسد با دولت و دستگاه سرکوب شان، قضات و دستگاه تحقیق آن، به صدا درآمده و سیمای جامعه و توازن قوا را به نفع پایین تغییر داده است. نسیم عدالتخواهی کارگری و صدای رژه پرولتاریای صنعتی ایران در صف اول

## دستمزدها فقط یک «رقم» نیست

مصطفی اسدپور

کارگزاران نمایش دولتی دستمزدها همه کشمکش را به معیشت پایه خانواده کارگری، خط فقر و از آنجا به یک رقم دلخواه که با صرفه باشد، نزول میدهند؛ سپس حول این رقم بازار گرمی میکنند، حرف دهان یکدیگر میگذارند و زیر بغل هم را میگیرند.

تماشایی است که رقم دستمزدها برای همه نان و آب میشود جز خود کارگران! انواع مراجع برای محاسبه، برای کم و زیاد آن حقوق کلان میگیرند، این رقمی است که منت آن بر سر کارگر جامعه تمامی ندارد، این رقمی است که فقط ذکر آن، تا چه رسد به اجرای عملی آن با انواع شانتاژ و تاوان آوار گرانی و تورم و بیکاری بر سر کارگر خراب میکند، این رقمی است که مثل خوره از جیب و از توقعات و از سلامتی و از عمر کارگر به تحلیل میرسد... این رقمی است که اصلا قرار نیست پرداخت شود، تضمینی برای آن نیست و هر چه که این رقم «چرب تر» باشد دست کارفرما در نپرداختن آن بازر تر میشود، و دست آخر خود این رقم میتواند مایه اختلاف در میان صفوف کارگران گردد. راستی، دستمزدها کارگران چقدر باید باشد؟ مبنای محاسبه آن چه باید باشد؟ همه طرفین و از جمله کارفرمایان از لزوم افزایش آن میگویند ولی دم از واقع گرایی میزنند. این سوالات نمیتواند جواب منطقی و سر راستی داشته باشد. این

مشغله را از دشمنان کارگر در جامعه نباید قبول کرد. بجای آن توقع کارگری را باید نشانند. رقم دستمزد کارگران باید بالاترین استاندارد رفاهی جامعه، یعنی سهمی از آنچه تولید دست خود کارگر است را تامین کند. اگر بحث بر سر رقم است، دستمزد کارگر در جامعه نباید از دریافتی وزیر کار کمتر باشد. بطوریکه اگر زمانی وزیر کار مجبور شود از راه شرافتمند کارگری زندگی خود را تامین کند به فلاکت و دربدری و بی پناهی نیافتد. همینقدر از جزئیات میتواند برای شروع چانه زدن بر اساس بیشترین اتحاد در صفوف کارگری کافی باشد. دستمزدها یک رقم نیست. قبل از آنکه در مذاکرات و چانه زدن مقرر شود، دستمزدها یک توازن قوا است، تشکل و انسجام صفوف کارگری، آمادگی دفاع از خود در کشمکش با دولت و سرمایه داران است که حرف آخر را میزند.

\*\*\*\*

**تماشایی است که رقم دستمزدها برای همه نان و آب میشود جز خود کارگران! انواع مراجع برای محاسبه، برای کم و زیاد آن حقوق کلان میگیرند، این رقمی است که منت آن بر سر کارگر جامعه تمامی ندارد، این رقمی است که فقط ذکر آن، تا چه رسد به اجرای عملی آن با انواع شانتاژ و تاوان آوار گرانی و تورم و بیکاری بر سر کارگر خراب میکند، این رقمی است که مثل خوره از جیب و از توقعات و از سلامتی و از عمر کارگر به تحلیل میرسد...**

**دستمزدها یک رقم نیست. قبل از آنکه در مذاکرات و چانه زدن مقرر شود، دستمزدها یک توازن قوا است، تشکل و انسجام صفوف کارگری، آمادگی دفاع از خود در کشمکش با دولت و سرمایه داران است که حرف آخر را میزند.**

### علیه نمایش سالانه دستمزدها

دوم: حجم عظیم تولیدات فکری، مورد استعمال و خدمات ننگین فصل دستمزد دولتی تمرکز بر سر خط فقر است. در مقابل، این مهمترین و اساسی ترین فرصت پایان دادن به این لکه ننگ زبان، فرهنگ و ادبیات سیاسی-کارگری در ایران است. حجم عظیم تبلیغات و تلقین مقامات و کارفرمایان و کارچاق کن های رسانه ای سرمایه در نقره داغ خط فقر با دستمزد کارگران، در تخطئه و پس راندن توقعات طبقه کارگر غیر قابل انکار است.

سوم: تمام خاصیت، تمام هنر، تمام کارآیی و مشروعیت کذایی سیرک سالانه دستمزدها در «دزدکی» بودن آن است. مربوط به کارگران است، اما فرسنگها از دسترس کارگران دور است. «نماینده» کارگران است، اما نه به رای، نه به تایید، نه به پاسخ گویی متعهد نیست. هنر عالی این «نمایندهگان» خبرهای دست اول از مقاصد و تصمیمات و لایحه در دست دولت و مجلس و قوه قضائیه است که میتواند اوضاع را بدتر از نتایج بد کثافتکاری خود این حضرات کند. همین و بس! پول خرد تو جیبی حضرات برای اینست که کارگران را بترسانند، که کارگران بسوزند و بسازند، چرا که در این ملکوت مبارک هنوز رنگ بالاتری از سیاهی هم هست!! سر تا پای خیمه شب بازی تعیین دستمزدها بر این استوار است که کارگران بطور مستقل امکان تشکل ندارند، اجازه ندارند جمع شوند، دخالت کنند، اجازه ندارند تصمیم بگیرند. برای ما، در مقابل دخالت مستقیم توده کارگر هسته اصلی مساله دستمزدها، و مساله محوری شکل گیری یک جنبش قابل اتکا دستمزدها در ایران است. در نمایش فصل دستمزدها نباید شریک شد. مسابقه بر سر اعداد، شرط و شروط برای کارگزاران ضد کارگر هرگز راه به جایی نمیرد. باید این نمایش را افشا و رسوا کرد. هر جا بحث بر سر دستمزد و کارگران است باید آگاهانه و نقشه مند و پر حرارت اثرات و سموم این نمایش را زدود. از پس هر تحرک در زمینه دستمزدها باید طبقه ما مهمتر از هر چیز بر دخالت مستقیم و متشکل خود پای بکوبد. حرف حساب ما اینست که بساط «دلسوزان» و نمایندگان خود خوانده پیش کش، کارگر آزاد و کارگر در تشکیلات مستقل بهترین و شایسته ترین مدافع منافع خود است.

### بسوی یک جنبش رادیکال سراسری دستمزد

در زمینه دستمزدها باید زمین بازی را عوض کرد. تلاشهای تاکنونی، با همه نقد آتشین و با همه عواقب سنگین زندان و سرکوب برای فعالین و تشکل های کارگری گویای این است که حک و اصلاح در چهارچوب جاری تعیین سالانه

دولتی دستمزد بجایی نمیرسد. کسی بدقت و جزئیات از پیش نمیتواند بداند مشخصات یک جنبش رادیکال دستمزد چگونه خواهد شد. این مشخصات را نیروی واقعی و کشمکش ها رقم خواهد زد. این جزئیات برای شروع این جنبش ضروری نیست و مهمتر اینکه مبارزات اخیر طبقه ما در ایران از هفت تپه تا معلمان و بازنشستگان سرنخ های لازم را بدست داده اند.

پاسخ رادیکال طبقاتی کارگران در مقابل نمایش ضد کارگری دولت، در خطوط اصلی خود، یک جنبش سراسری دستمزد است که بسیج و دخالت مستقیم خود کارگران هسته مرکزی آنرا تشکیل میدهد:

اولا: مجامع عمومی در مراکز تولیدی و در هر نهاد و سندیکا کيفرخواست خود علیه دستمزدهای موجود را مورد بحث قرار داده و تصمیم میگیرند با این مصوبه چه خواهند کرد. هر کارگر باید بلندگوی فعال انتقال اراده جمعی همکاران خود باشد. این مجامع، کوچک و بزرگ آزادانه و تنها به حکم اراده کارگران بر پا میشود. در این زمینه دو محور اصلی از اهمیت ویژه برخوردار است: کارگران مراکز اصلی تولیدی باید مستقیما به عرصه کشمکش دستمزدها «کشانده شوند»، هر درجه از غیبت تا کنونی را نباید پذیرفت، تمام ظرفیت جنبش کارگری را برای یافتن بهترین راه چاره بسیج کرد تا صنایع نفت و خود رو و امثال آن ستون فقرات جنبش دستمزد گردند.

محلات باید یک پای ثابت و مهم جنبش دستمزدها عرض اندام کند. چرا که زنان و اعضای خانواده کارگری، بخش بیکار طبقه و بعلاوه کارگران در عرصه های مختلف امکان شرکت در این عرصه را می یابند.

ثانیا: این مجامع باید محل تصفیه حساب سخت و خونسرد کارگران با نمایش نخ نمای دستمزدها باشد. هیچ گونه توهم نباید از تجربه زنده و دردناک طبقه ما جان سالم بدر برد. باید هر گونه مصوبه دستمزد حاصل مذاکرات را از پیش بی اعتبار اعلام کرد، به این دلیل ساده که ارزش و نتیجه عملی هر مصوبه ای، گیریم هر چقدر که باشد بدون دخالت مستقیم کارگران پوچ است.

ثالثا: باید اعلام کرد مصوبه دستمزد پایان کار دستمزدها نیست. این تازه آغاز کار جنبش دستمزدها در میان کارگران است. مصوبه دولتی دستمزدها را نباید پذیرفت. چرا کارگران باید برای تغییر مصوبه دشمنان خود تا سال بعد بسوزند و بسازند؟

موج پر شکوه اعتراضات سراسری معلمان، بازنشستگان و بخش های دیگر فرصت تاریخی کم نظیری را ایجاد کرده است که همه سندیکاها، انجمن های صنفی، کانون های صنفی و سایر تشکل های کارگری با ابتکارات دستمزدی خود پایه های یک جنبش سراسری دستمزدها که شایسته طبقه کارگر در ایران است را بنیان بگذارند.

بیانیه حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهاست

## خانه کارگر و لولو خورخوره «دستمزد منطقه ای»

مصطفی اسدپور

نمایش فصل دستمزدها در جمهوری اسلامی به اندازه کافی مسخره هست که کارگزاران خانه کارگر و اخوی های «نماینده» کارگری در شورای عالی کدایی را از شلنگ تخته حول «دستمزد منطقه ای» معاف کند. ظاهراً اگر بوی تعفن دستمزد دستپخت حضرات دنیا را فرا گرفته است، اگر با هیچ طریقی سر و ته دستمزد و معیشت با تورم و گرانی سیری ناپذیر دولتی بهم نرسد؛ حداقل جماعت کارگر باید به روده درازی حکیمانه خانه کارگر دل خوش کنند که بلای «دستمزد منطقه ای» را از بام دستمزدها دور نگه داشته اند!

شوخی به کنار، در هردنبیل ملوک الطوائفی دستمزدی در ایران، خانه کارگر در حماسه سازی از خود و نظام متبوع شاید بهتر باشد کمی فروتنی را رعایت کند. دیوار کارگر در ایران هر چقدر هم کوتاه باشد، این درجه از خضر فروشی از جانب خانه کارگر مجاز نیست. در مملکتی که نفس پرداخت دستمزد پا در هوا است، مملکتی که ارزش واقعی دستمزدها با گرانی و تورم جز الله بختکی از منطق دیگری تبعیت نمیکند، مملکتی که دست کم نود درصد از کارگران مشمول قانون کار نیستند، مملکتی که وزارت کار آن رسماً اداره بازرسی خود را کان لم یکن و کارگران را در آغوش مهر سودپرستی کارفرما به امان خدا رها کرده؛ مملکتی که خانه کارگر از ستونهای تحمیل این شرایط است؛ هیاهو بر سر «دستمزد منطقه ای» مسخره ترین سنگری است که میشود در بجهوه دستمزد حواس کارگران را از اصل موضوع پرت کرد.

«مزد منطقه ای» یک سیاست ضد کارگری است، مزد منطقه ای تفاوت های حاشیه ای و من درآوردی در نقاط مختلف ایران را مبنای اختلاف میان کارگران قرار میدهد که دستمزد کل کارگران را از این که هست هم کمتر رقم بزند. باید جلوی این سیاست های سرمایه در ایران هوشیار بود و ایستاد. این کار قبل از هر چیز در آزادی تشکل کارگران و آزادی آنها از چنگال کل دستگاه بی حقوقی و سرکوب کارگری است که خانه کارگر بدنه اصلی آن را تشکیل میدهد.

## دستمزدها و چهره پنهان زنانه آن

مصطفی اسدپور

دستمزدها در ایران بر یک واقعیت ناگسستنی زنانه متکی است. اما چهره زنانه دستمزدها پنهان است و انکار میشود. دستمزد در ایران همانقدر که با تامین زندگی یک خانواده کارگری دور و بیگانه است، بدون فرض یک زن در این خانواده و بدون کار عظیم مجانی زن، حتی در همان محدوده کوچک نیز جوابگوی نیاز بدیهی و پایه نخواهد بود. دستمزدها نسخه و فرمان اسارت زن خانواده کارگری در چنگال کاری سنگین و فرساینده و تمام نشدنی است. دستمزدها در بیان پولی خود ارزش زن، نقش و جایگاه او در خانواده کارگری به موقعیت خدمتکار بی اجر و مواجب و درجه چندم نزول میدهد. سالیهای سال است بعلاوه، بخش مهم زنان خانواده کارگری در کار خانگی و در مراکز تولیدی در تامین معیشت خانواده مستقیماً شریک هستند و با بهره کشی و تبعیض های گسترده و وحشیانه علیه کار زنان در بازار کار در عرصه دستمزدها تاوان سنگینی را به دلیل جنسیت و زن بودن خود متحمل میگردند. عواقب و نتایج این تبعیض طبعاً بر دوش همه طبقه کارگر سنگینی میکند.

مراسم نمایش مذاکرات رسمی دستمزدها در ایران اساساً بدور از دخالت مستقیم کارگران سازمان یافته است. تا آنجا که به مکانیسم و روشهای معمول مبارزاتی جاری کارگری نیز مربوط میشود جای اعتراض زنان و اعتراض از زاویه «زنانه»، بخصوص در عرصه دستمزدها (و نه در عرصه های دیگر نیز) بطرز محسوس و غیر قابل اغماض خالی است. اعتراض و ادعای طبقه کارگر بدون چهره زنانه آن ضعیف، الکن و سترون میباشد. ارزشهای اسلامی و مردسالارانه ایرانی، چشم انداز بازار کار خانگی و عرصه خدمات برای زنان توجه و چاره جویی گسترده و فوری جنبش کارگری و کمونیستی را ضروری میسازد.

اعتصاب معنچیان کرمان و شرکت فعال زنان معدنچی، شرکت پر جوشش زنان در اعتراضات معلمان و بازنشستگان الگوهای با ارزش از آینده امیدبخش جنبش کارگری در ایران بود که نمیتواند و نمیخواهد از شور و درایت و قدرت صف زنانه خود غافل بماند. مجامع عمومی کارگری و بعلاوه در عرصه محلات کارگری دخالت مستقیم زنان خانواده کارگری را در کارکرد خود مفروض دارد.

## از اعتراضات معلمان تا مبارزات قدرتمند سراسری بر سر دستمزدها

مصطفی اسدپور

چوبدستی «قانون» و «انجمن» و «صنف»

فراخوان تازه ای از شورای سراسری متشکل از کانونهای صنفی معلمان بسیج اعتراض همزمان معلمان در ۴۰۰ شهر و در پیگیری مطالبات بر حق دستمزدی آنها (در قالب اجرای قانون همسان سازی) را در دستور قرار میدهد.

متن این فراخوان نفس را در سینه حبس میکند، غرور آفرین است. اهمیت این فراخوان نه در عبارات، کلمات و گفته های آن بلکه در لابلای سطور نهفته است. تا آنجا که به دولت و دوایر امنیتی مربوط باشد قرار بود «قانون های صنفی» اعتراض و مطالبات معلمان و همه بخش های طبقه کارگر را مهار بزند، محافظه کاری را رواج بدهد، سر بدهد، ادعا و حق طلبی را با مظلوم نمایی و ناخن جویدن جایگزین کند. آنچه که در مقابل چشمان ما در اعتراضات سراسری معلمان در جریان است، آن خیز دیگری که فراخوان جدید پیش روی خود قرار میدهد بخش ناچیزی از دنیای با شکوه اعتراض نهفته در دل این بخش از طبقه ما است که از حصار محدودیت های «قانون»، «انجمن» و «صنف» به بیرون می جهد.

هیچ کس حق ندارد مخاطرات سر راه اعتراض معلمان را دست کم بگیرد، هیچ کس حق ندارد در مقابل سایه مخوف «قانون» شانه بالا بیاندازد، هیچ کس حق ندارد بسادگی از کنار کوچه پس کوچه های «انجمن» و «صنف» بگذرد؛ اما هراتب بیشتر از هر چیز دیگر کور خوانده است کسی که تعلق و وفاداری و جانبداری طبقاتی کارگری در آن جامعه را دست کم بگیرد. فراخوان جدید معلمان بدهی تسلی خاطر برای شیفتگان حاشیه یک صنف نیکوکار را یکدک میکشد. اما این فراخوان دولت و دستگاه قانون گذار را به همورد میطلبد. چلنج میکند. این اجتماع مواخذه دولت و مجلس را در دستور دارد و نه در چهارچوب قانون، بلکه لگد به ذات اطاعت و فرودستی شهروندان جامعه است. فراخوان معلمان بر متن نمونه اعتراضات همین یک هفته قبل، با تکیه به ماسبق یاران هنوز در زندان و با تهدید مستقیم و عریان نیروهای سرکوبگر ادعا نامه و پلاتفرم یک رگه اصلی از طبقه کارگر و از مولفه های تولید و سازندگی در جامعه است. در یک جامعه متعارف با این نیرو، با این پرچم و با این ادعای نامیه احزاب تشکیل میشود، در گستره جامعه عضوگیری میشود، پارلمان و دولت و روندها و صف بندی نیروهای اجتماعی متحول میگردد.

تا همین جا معلمان در تجربه های عملی گرانها جنبش حق طلبی مردم زحمتکش را گامهای بلند به جلو سوق داده اند. امروز بر فراز سنگرها و دستاوردهای معلمان انتظار مطالبات اثباتی و مشترک بیش از همیشه در دسترس است. چه چیزی مانع است که با سودای معلمان در سر، امروز خواستهای فراگیر از نوع افزایش دستمزدها نیروی اعتراضی کارگران، پرستاران، بازنشستگان، بیکاران، زنان بیغوله های قالی بافی، همه و همه را نه فقط در بیانیه های همبستگی، بلکه دقیقاً در روی زمین سفت مبارزه واقعی بهم گره بزنند؟

در تجربه معلمان مبارزه اقتصادی طبقه کارگر از زیر بار چهارچوب «انجمنی» و «صنفی» به بیرون خیز برمیدارد، مشت بر سینه میکوبد و برای پیروزی های بزرگ نیرو جمع میکند.

امروز همه چشم دوخته اند تا گامهای تا کنونی با گامهای بزرگ در مسیر سازمان، سازمان، باز هم سازمان یابی راه به جلو باز کند. شبکه گسترده از انواع تشکل ها برای همکاری، تعاون، صندوقها و همیاری میان صغیر و کبیر مردم کارگر و زحمتکش شکل بگیرد. انجمن و صنف جای خود را آنچهان که بایست و شایسته است، به سازمان، ادامه کاری، اهداف روشن، حق عضویت، تعصب و رفاقت و جانبداری طبقاتی کارگری بدهد. باید آستین بالا زد، جلو افتاد؛ چه کسی بهتر، چه کسی آماده تر از معلمان؟

زنده باد سوسیالیسم!

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat W1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5910

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena